

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدموسی عثمان هستی سردبیر ماهنامه طنزی و انتقادی بینام در تورنتوی آنتریو - کانادا
۳۰ سپتمبر ۲۰۱۶

"ع" و "غ" سکوت مردم را نادانی و بی غیرتی نیندازید

چرا در حق مجرمین سخاوت صورت می گیرد



ع و غ! سکوت مردم را نادانی و بی غیرتی نیندازید شما مزدوران بین الملل راهمه شناخته اند اگر فکر می کنید که مردم سکوت می کنند و تو ع و غ در حق مجرمین جنگی سخاوت می کنید

این راه که شمامی روید راه ترکستان است شاگرد کنید که دیگر راه، راه پاکستان است

احمق که راه خود در شب اشتباه می کند به دنبال روشنی چراغ می رود سگ چف که راه را نزدیک نشان می دهد او نمی رود گلب الدین اگر می خواهی در افغانستان کشته نشوی از چراغ سبزی تیر شود دوباره به پاکستان برو به سگ چف پاکستان بهتر از چراغ سبزی است (بزرگان گفته در شب به طرف سگ چف بروید به طرف چراغ نروید که منزل چراغ دور است) من ساده نویسی کردم که گلب الدین غیر پشتو واردو فارسی بلد نیست تا اینجا طنز بود. پائین این نوشته گنزا است تا چند مرتبه این نوشته را خوانید به حرفها و کنایه های صاحب این قلم پی نمی برید و اگر از نوشته مقصد گرفته توانستید روغن گلب الدین و غنی درجان شما کار نمی کند این نوشته راه نجات هفته فهم هاست روغن غنی و گلب الدین بوی خوک می دهد این مقدمه بود، دم نوشته دراز است

ای مردم در حق مظلومان کی زور کرده؟
چشم و گوش ترا بگو که کی کور کرده؟
من میدانم توهم بهتر از من میدانی جانم
بجل و کمسای نفع خود را کی لور کرده؟
مرچ اشک چشم سوزان آسیاب ببین؟
بگو مرچ امروز دیروز امریکا خور کرده
ماشین کهنه را در وطن ما کی بور کرده
کی وطن ویران مردم رازنده بگور کرده
همه قاتل و آدم کش و بی بندوبار و اوباش
بنام اسلام خود جابجا در ولایت غور کرده
اگر مردم ندانند سکوت کنند از ترس و لرز
هستی افشاکند کی بل آتش تنور کرده؟

شاعری وزن و بی ترازو

(نام حکمتیار سال هاست که در فهرست سیاه دولت امریکا و ملل متحد قرار دارد دولت امریکا برای سراجایزه تعیین کرده است) خری که باپالان و صاحبش (آی آس آی) به یک پیسه سیاه ارزش ندارد خر مرده و پالان زرین ساختند در این جای شک نیست که امریکا از گل مجسمه مریم می سازد دیگران اورا عبادت می کنند همانطور از گلبدالدین بی پال و بی دم امیر جهاد ساخت.

حالا جهان سیاست حرف های دیروز خود را فراموش کرده و حرف های امروز خود را از دم قیضه می کند که این روش ثابت می کند به انسان و انسانیت و حقوق بشر جزوی ترین احترام و ارزش قابل نیستند می خواهند از اوباشی و قلدری کار بگیرند نوشته بالا غیر از این چه معنی دیگر را افاده می کند

ریش از من اختیارش از ملادهن کشد سر منبر ذالت ، ضرب المثل مشهور است جائی می سوزد که در آنجا آتش افنده باشد همان جا درد آس را حس میکند مردم امریکا، غرب و روس که در زمستان و تابستان در کمودگوز می زنند از زن و مردی که در سرمای ۵۰ درجه در نیم شب می برآیند در آخر حویلی خود جهت قضای حاجت می روند تواز حال و رنج آن چه خبر هستی کسی فاتحه می گیرد که پدرش کشته شده مادرش کشته شده پسرش کشته شده دخترش کشته شده نوسه و یا اقاریش کشته شده و در دجان سوز کشته شدگان درک می کند. تو او با ما و سفارت امریکا در افغانستان ، انگلیس و غرب که هر روز شریک جنایتکاران هستی شما از کجا در دملت مارا درک می کنید. شمالاف دوستی در ظاهر با ملیت های افغانستان می زنی از دشمنان و همسایه های خون آشام ملیت های افغانستان آشکارا حمایه می کنید دزد را سالها گفتید دزدی بی ترس کن صاحب خانه را گفتید هوشیار جان و مال خود باش هر روز در بین ملیت های افغانستان ستون پنجم و ستون شش می سازید شما نبودید و نیستید که به گفته بینظیر بوتو صدراعظم پاکستان که او مارگیر شما بود سرانجام خود او را همان مار های دستساخت شما گزید.

القاعده، مجاهد و طالب را ساختید و امروز داعش سازی می کنید هنوز هم در فکر بنیاد گرایی و خرسازی بشریت هستی وقتی که مهره های شما ناکار آمد صدای انسانیت و حقوق بشر سر می دهید تمام نماینده های حقوق بشر مگر سنگ های زنجیری شما در سرتاسر جهان نیستند شما از یک طرف فریاد حقوق بشر سر دادید و از طرف دیگر دولتهای ناقص و دشمن بشریت را حمایت نظامی علیه انسان و بشریت می کنید

مشت نمونه خروار عربستان سعودی و اسرائیل حمایه می کنید و به هر دو سلاح های کشتار جمعی رامی دهید مگر شما قدرت های بزرگ نیستید که افریقا و آسیا را به خاطر مقاصدشوم و نفع خودتان به آتش نفاق و کشتار کشیدید و سلاح های کهنه و نو خودتان را تست و امتحان کردید و هنوز هم ادامه دارد؟ تاچه وقت به خاطر منافع غیر انسانی و ردالت های سیاسی خود مردمان بیگناه و بی دفاع جهان را که تاب تکنالوژی کشتار جمعی شمار اندارند می کشید؟ و به آتش می کشید روس دیروز گرچه درویرانی افغانستان نقش غیر انسانی داشت و بهانه به دست دنیاداندکه جهان سوم برده و غلام خودسازید.

روس از نادانی و حماقت، افغانستان و مردم افغانستان را به آتش کشید اگر بفکر آب های گرم به گفته شما بود داخل افغانستان شد و از امروز کرده قدرت سیاسی و نظمی آن بیشتر در جهان زمانی که به افغانستان حمله کرد بود و آن وقت دال خوران پاکستان قدرت اتومی هم نبود و هندهم از جمله حرف گوش گیر هایش بود

چرا؟ به بهانه خاک های از دست رفته افغانستان سرپاکستان حمله نکرد او مقصدش از آبادی و گرفتن خاک های از دست رفته افغانستان نبود و اگر دوست افغانستان بود چرا تا امروز خاک افغانستان مثل کریمیه گرفته بود به افغانستان برنگشتاند هر کس برای مطلب خود دلبری کند.

وکسی که دیروز سرکشی کرد او را کشتید و امروز هم توان کشتن دارید مرگ من به خاطر دفاع از مردم افغانستان و مظلومان سرتاسر جهان به قدر پرکاه نزد من ارزش ندارد. من می خواهم که باشرافت زندگی کنم و باشرافت بمیرم همان طوری که به بازرسان جرایم جنگی گفتم من از کنده و زنجیروزندان و کشتن نمی ترسم مرگ من مثل کوه هندوکش وزن گران دارم مطمئن باش که هر اس از مرگ ندارم و علیه جنایتکاران سرتاسر دنیا ایستادگی می کنم.

من جزیک قلم چیز دیگر ندارم و هم مثل دست ساخته های شما، دست به کشتار انسان نمی زنم اگر جنایت کار باشد او را به پنجه عدالت می سپارم زمانی که بازرسان جرایم جنگی به خانه من آمدن و در قسمت نوشته های من از من معلومات مفصل خواستند و من باشهامت و معلومات دادم و از نوشته های خود دفاع کردم و خودشان را هم سهل انگار گفتم و حالا هم می گویم و آنها هم به سهل انگاری خود اعتراف کردند

اگر بازرسان جرایم جنگی از حقوق مظلومان سرتاسر جهان دفاع نکنند محکمه ها ک و بازرسان جرایم جنائی و جنگی را رها نمی کنم باز سرشان می نویسم که چه شد و عده ها شما به آنها گفتم نباید از مزدوران قدرت های بزرگ و زمامداران دولت های خاین و قاتلین دفاع کنید و اگر مستقیم و غیر مستقیم دفاع می کنید ادعای انسان دوستی شما دروغ است.

دولت هائی که شمشیر تندروان را تیز و تیزتر می سازند دیروز کشتند و امروز هم می کشند و من از کشتن نمی ترسم و هم از این هم نمی ترسم مرابه چپ متهم می کنند یابه راست کفر می خوانند، یامرتد و لامذهب من اگر راست هستم و اگر چپ هستم و اگر دین و مذهب دارم و یاندارم، من مدافع حقوق بشر و انسانیت هستم و اگر جرأت دارید بامن دریک محکمه علنی شما حزب دموکراتیک خلق، مجاهد، طالب، کرسی، ع و غ حاضر شوید. به من فرق نمی کند که محکمه قضایی دادگاه دستنشانده شما باشد ولی ایمان دارم که شما این جرأت اخلاقی را ندارید امریکائی ها، انگلیس ها و همسایه های افغانستان سر مزدوران شان که حزب دموکراتیک خلق مثل علمی، رهبران مجاهد، طالب ع و غ در افغانستان مردم افغانستان از زن تا مرد و از طفل تا پیر افغانستان را می کشند و از جنایتکاران کلیکسیون می سازند و در دولت به آنها قدرت می دهند ولی من می دانم مرگ من بزرگتر از گوه هندوکش است هر قدر برف که سرکوه هندوکش ببارد سرکوه تأثیر ندارد. خود برف را کرم می زند

امروز روسها یا خواب است یا وجدان خود را زیر پای کرده همه می داند و روس و ایران، چین بهتر از تمام دنیا این که سکوت کرده اند و بزدل هستند آن کار روس، ایران، هند و چین است شمامی دانید و تمام مردم سرتا سردنیا می دانند تا زمانی که شمامنطقه رابی ثبات نسازید داخل آسیای میانه شده نمی توانید و منافع غیر انسانی شما بر آورده نمی شود و جنگ

در افغانستان و منطقه خاتمه نمی یابید و هم تازمانی که جهان را باروس تقسیم نکنید این جنگ هاپایان ندارد و صلح بامهره های شما که مجرمین جنگی هستند به درد هیچ ملتی نمی خورد شما بودید که از گلب الدین حمایه کردید و ضیاء الحق سگ زنجیری شما بود که گلب الدین را به دستگاه جاسوسی شما و جهان معرفی کرد دیروز گلب الدین از شما بود امروز از شما است و فردا هم از شما است و جدان کسی را که شما آلوده کردید او تا آخر عمر با شما است اگر شما راست می گوئید خاین و خایف نیستید چرا به من اجازه نمی دهید که در یونیورسیتی های شما سخنرانی کنم تا ملت های خواب برده شما را بیدار کنم که شما چه نوع جنایاتی در سر تا سر جهان مرتکب شده اید. تا بدانند که به نام حقوق بشر و دفاع از انسان و انسانیت چه نقشی در جهان دیروز و امروز بازی می کنید. تا کی در نعل و میخ می زیند اگر زنده بودم همان طوری که بازرسان جنگی را مجبور کردم که بامن در میز مذاکره حاضر شوند شما و محکمه ها که راهم مجبور خواهم ساخت که بامن سر یک میز بنشینید که دروغ و جنایت شمار ابر رخ شما بکشم تا چه وقت شما در نعل و میخ می زیند و جهان را با این نوع پالیسی های غیر انسانی خود به آتش می کشید من حق دارم من حیث یک فرد این جهان از حقوق بشر و انسان و انسانیت دفاع کنم و با پول خود حاضر هستم در هر مملکتی بروم در دانشگاه های جهان سخنرانی کنم ولی من ایمان دارم نه هسایه های افغانستان نه امریکا، نه انگلیس نه غرب و نه روس و نه هندجرات این را ندارند که به من اجازه داده شود در یونیورسیتی های شان سخنرانی کنم. عقب نشینی هند در برابر پاکستان تکنیکی نیست بزدلانه است مردم افغانستان از عقب نشینی هند در برابر جنایت پاکستان سکوت اختیار کرده و به بهانه این که پاکستان و جنایتهای پاکستان را افشاء می کنیم، او را به انزوای سیاسی می کشیم. تا انگلیس است همداین غوره را به دل خود ببرد که بتواند پاکستان را به انزوای سیاسی بکشد. مردم افغانستان مأیوس ساخته و هند می داند که گلب الدین سگ زنجیری پاکستان است با تفرقه اندازی قومی بکند مردم خصوصاً پشتونها را به طرف پاکستان می کشاند غنی که مانند حمام چی کاه فروشی کابل از آب گنده و تایر و توپ کهنه استفاده می کند او هم به اشتباه رفته گلب الدین فردا مار آستین او خواهد شد و او را خواهد گزید

امروز که در مصاحبه های خود حزب اسلامی می گویند ما طرفدار دولت مستعمراتی کابل هستیم و نه طرفدار طالب، طرفدار صلح هستیم می خواهد که مردم افغانستان و دولت مستعمراتی افغانستان دریای پاکستان انداخته باشد و توف غنی و عبدالله راسرش دوبار بلیسد و هند که از حمایتگران افغانستان در طول تاریخ بوده است او را از مردم و دولت افغانستان دور سازد گلب الدین را غنی به خاطر پشتیبانی خود و زدن جمعیت و شورای نظار آورده و گلب الدین به خاطر جای پای پیدا کردن پاکستان و به خاطر فتنه و تشنگی قدرت با دولت کابل معامله غیر انسانی و افغانی کرده این هر دو هدف صلح ندارند هدف تنبان کشیدن هند و رقیبان خود را دارند و به انزوا کشیدن هند کار آسان نیست. غنی که او را مردم مانند گلب الدین شناخته است این هر دو هنوز ندانسته که مردم افغانستان و حزب جمعیت خصوصاً شورای نظار سگ را ببیند گلب الدین و غنی را ببیند. وقتی گلب الدین در افغانستان زندگی کرده می تواند که مانند سگ نیم جان پیش پای جمعیت و شورای نظار نفس مصنوعی بکشد اگر سر حماقت های دیروز خود پافشاری کند مجبور می شود دوباره به پاکستان برود مانند سگ سوزن خور مرگ تدریجی خود را در پاکستان سپری کند و قسمی که مردم افغانستان را بی غیرت فکر کرده به اشتباه رفته مردم افغانستان مثل آتش زیر خاکستر است. غنی و گلب الدین این را چرانی دانند که بعد از صدسال بخاطر چی جسد امرحیب الله کلکانی را می کشند و به ملیشه های و ظنفروش درس تاریخی می دهند و امیر کلکانی را باشان و شوکت در تپه شهر آرا با عزت دفن می کنند این یک هوشدار و هوشدار باش به طالب و حزب اسلامی و تو غنی است من آنروز را پیش بینی می کنم ، همان طوری که ملیشه های دوستم سگ زنجیری شما عقب نشینی کرد، گلب الدین دوباره به

چهار آسیاب خواهدرفت و کابل را دوباره ویران خواهدکردسگ سگ است گلبدین سرتاپایش ازسگ است سگ اگرشما به دریای هفت گانه بشوید نه تنهاکه پاک نمی شودبلدیتر هم می شود

این خوابی که تودیدی گلو جان، به جای خانه گور، به جای نان مرمی، به دهن مردم می زنی و به جای لباس کفن در تن شان می کنی این غوره را رهبران تنی شوهرخواهرتوبه گوربرد توهم می بری مردم کوه است و خابنین درطول تاریخ خس بودند.

نیرنگ عینک و قطی نسوارسود ندارد

آتش سگهای انگیس دیگر دود ندارد

این راه که میروی گلو جان بترکستان

غیرت اگر کس دارد او کمبود ندارد

وقتی که دوست محمد خان از خانه علیخان تتمده نی از ولایت پروان از نزد مجاهدین فرار کرد به کابل رفت و در پای مکانتن افتاد انگلیسها او را به هند تبعید کردند جنگ بانگلیس خاتمه نیافت دوست محمدخان عینک و قطی نسوار خود را نشانی به پسر خود وزیر اکبرخان از هند روان کرد که مجاهدین دست از جنگ بکشند. آن قطی نسوار و عینک به دست میر عثمان اویپانی یا عثمان پروانی افتاد سورجاسوسی دوست محمدخان مجاهدین بند کردند و وزیر اکبرخان را تحت فشار قرار دادند و وزیر اکبرخان را به انزوا کشیدند. جهاد را ادامه دادند. کززی را ملامت نکنید از نسل دوست محمد خان است.